



نگاهی به برخی راهکارهای عملی تشکیل تمدن نوین اسلامی

نیل به تمدن نوین بدون وحدت اسلامی ممکن نیست

■ **محمد ضامحسنی**

یکی از مهم‌ترین مسائلی که از بدو خلقت انسان مورد توجه انبیای عظام الهی بوده‌وا از صدر اسلام به بعد نیز نبی مکرم اسلام(ص) و سپس ائمه معصومین علیهم‌السلام بر آن تأکید داشته‌اند، برادری و برابری و یکپار چگی و وحدت امت اسلامی و شکوفایی جامعه بوده است. اما می‌دانیم که به سه تلاش‌های آن حضرت، متأسفانه پس از رحلت ایشان، جامعه اسلامی به تدریج دچار آشفتگی و افتراق و در برخی موارد، گرفتار درگیری‌ها و نزاع‌های مهلک و خونباری شد. عناصر اولیه تشکیل تمدن نوین اسلامی عیار تند؛ از مجاهدات دائم همگانی و تلاش و کوشش مسلمانان، امید به فضل الهی و استمداد از او، بیداری اسلامی، لزوم ترسیم هدف بلندمدت، صبر و مقاومت، بهرمندی از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی، برهیز از تحجر و ارتجاع، گسترش اخلاق انسانی، نگاه اجتماعی و عالمانه داشتن به عرصه‌های گوناگون دانش بشری، برهیز از سبک زندگی غربی و نه‌پایان‌بسادری از بنیان‌های تاریخ و فرهنگ و زبان خود. در نوشتار حاضر، ضمن آسیب‌شناسی و تحلیل وضعیت اجتماعی و سیاسی جوامع اسلامی طی دهه‌های گذشته و اشاره اجمالی به اقدامات صورت گرفته در باب وحدت جوامع اسلامی و تقریب مذاهب توسط اندیشمندان، مصلحان و علمای دینی شیعه و سنی، به بیان راهکارهای عملی وحدت مسلمانان و تشکیل تمدن نوین اسلامی پرداخته شده است.

■ ■ ■

■ **راهکارهای نظری و عملی جانمایی وحدت اسلامی**

بررسی و تحلیل آرا و نظرات آن دسته از اندیشمندان و علمای مسلمانی که پیوسته به دنبال تحقق وحدت معقول در میان امت اسلامی بوده‌اند، می‌توان ضمن شناسایی راهکارهای نظری آن، به لحاظ عملی نیز به‌ط‌حوارهای خوبی دست یافت و باالگو گرفتن از آنها نسبت به انجام این مهم اقدام نمود.

ذیلاً به برخی از این موارد اشاره خواهد شد.

■ **جهت‌دهی متحده به شعارت اسلامی**

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های علمای وحدت اسلامی و تقریب مذاهب چنانکه اشاره شد، مسئله بزرگ شیعی و سنی در طول تاریخ و به‌خصوص در طول دهه‌های اخیر بوده است. به اعتقاد ملا به‌داران وحدت اسلامی، توافق و تفاهم حول محورهای فکری و عقیدتی مشترک، که می‌تواند زمینه‌ساز تحقق این امید و آرزوی دیرین باشد. برای نمونه، مقوله ایمان، خدا و پیامبر، قرآن و سنت، دوستی الهی بیت، قبله واحد، حج، اجتماع جمع‌گرایی در عبادات، زبان واحد، دشمن مشترک و نظایر آن، مقولات اساسی و بنیادینی هستند که می‌تواند انگیزه مناسبی برای اتحاد مسلمانان فراهم آورد. همچنین جهت‌دهی به شعارت اسلامی، همدلی، شناخت متقابل، گفت‌وگوی مثبت، تسامح در کثرت گرای، نقد به دور از توهین، برهیز از شایعه‌پراکنی و نفاق و قهر و جدایی و ناسزاگویی به یکدیگر، گرایش به حق‌گرایی و دوری از بغض و عناد و غلو و زیاده‌روی، خروج از شعار به سمت واقعیت و اتحاد عملی، از دیگر عوامل تأثیرگذار بر اتحاد جوامع اسلامی در نه‌پایت، تشکیل تمدن نوین اسلامی خواهد بود.افزون بر اینها، می‌توان با شرکت در آیین‌های دینی و اعمال مشترک و نظیر نماز جمعه و جماعت و در سطح بین‌المللی شرکت در فریضه حج، موجبات وحدت اسلامی را فراهم آورد، زیرا در این اجتماعات حس برادری و همکاری افراد تقویت می‌شود و مسلمانان باوضعیت جهان نیز آشنایی شوند.

مانیزمی‌الدیم که مسلمانان در اعمال اجتماعی چون تشکیل خانواده، ازدواج و طلاق، داد و ستد، مرگ و دفن، یگانه و واحد دارای جهان‌بینی، فرهنگ و تمدن مشترک هستند. بنابراین توجه به این عوامل وحدت‌افزین در میان امت اسلامی، مهم‌ترین عامل شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است.

■ **جمع‌آوری تراث عظیم تمدنی اسلام**

در طول قرون گذشته، در همه سرزمین‌های اسلامی و در

نزد همه فرق دینی اسلام، یکی از مهم‌ترین مقدمات تشکیل تمدن نوین اسلامی، جمع‌آوری تراث عظیم تمدنی اسلام بوده است زیرا می‌دانیم که سرزمین‌های اسلامی متعلق به جهان اسلام است‌وا از سوی دیگر، افتراق آثار تمدنی جوامع اسلامی از هم و بی‌اطلاعی مسلمانان از این تراث عظیم، موجب از بین رفتن غرور ملی و مذهبی مسلمان شده و روحیه خودباوری و اعتماد به نفس را در آنان سرکوب می‌کند و موجبات عقب‌ماندگی جوامع اسلامی را فراهم می‌آورد. از جمله ملزومات این امر، تغییر در روش‌های آموزشی و منابع درسی مسلمانان در مدارس، حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌هاست.افزون بر اینکه پیشفرض چنین تمدن‌سازی این است که همه این ذخایر و ثروت‌های عظیم انسانی و طبیعی به جهان اسلام تعلق دارد و رور نیست که مسلمانان از این ثروت‌ها و داشته‌های غنی خود که بسیار شادت‌ده و پایدردی‌های مسلمانان و در پرتودین مبین اسلام به دست آمده است، غافل یا بی‌اطلاع باشند. چراکه بی‌اطلاعی از این ذخایر، احساس بی‌هویتی به همراه دارد و مبانی عظیم معرفتی اسلام بایستی به طالبان علم و معرفت تعلیم داده شود تا بر داشته‌های خود ببالند و بر نداشت‌های خود نیز چاره‌ای بیندیشند. گرچه در کنار این تعلیمات می‌تواند بحث‌هاو مناظرات علمی دوستانه در میان علماو دانشمندان مسلمان در گیرد و موجبات ارتقای سطح دانش و آگاهی آنان و همینطور رفع اختلافات عقیدتی را فراهم آورد.

■ **همبستگی و ارتباط عالمان دینی و متفکران اسلامی**

در جهت سازماندهی در جات علمی و وظایف عالمان، ایجاد مرکزیت دینی و گفتمانی، ایجاد تشکیلاتی نظیر جمعیت سری عروه، تقویت دارالتقریب‌ها و تشویق و حمایت مالی آنان به منظور جوامع اسلامی است.

■ **شناسایی عوامل درونی و بیرونی تفرقه**

شناسایی عوامل درونی و بیرونی تفرقه و مراقبت و ممانعت از ورود آنان به صفوف مسلمین و سپس تفرقه‌پراکنی، از دیگر عوامل تأثیرگذار در تشکیل تمدن نوین اسلامی است. به بیان دیگر، مسلمانان به‌منظور ایجاد تمدن نوین اسلامی باید پیوسته به عوامل تفرقه‌افزین درونی مثل متحجران، ظاهرگرایان، غریزدگان، علمای درباری، تعصبات نابجا و رذایل اخلاقی و همچنین عوامل بیرونی نظیر حیل‌ها و



از راه‌های ایجاد تمدن نوین اسلامی، تشکیل اجتماعات بزرگ اسلامی و نشست‌های نقد و مناظره علمی است

دسیسه‌های دشمنان که بعضاً در قالب خیرخواهی ونصیحت و ابراز دوستی و محبت ارائه می‌شود، توجه تام و تمام داشته باشندو در رشد و تعالی علمی و فرهنگی مسلمانان نقش مثبتی ارایاکنند

■ **تشکیل اجتماعات بزرگ اسلامی و نشست‌های نقد و مناظره علمی**

از دیگر راههای ایجاد تمدن نوین اسلامی، تشکیل اجتماعات بزرگ اسلامی و نشست‌های نقد و مناظره علمی است. البته به‌منظور جلوگیری از ایجاد حساسیت‌های احتمالی و برهیز از شائبه دولتی و جهت‌دار بودن این نشست‌ها، بهتر آن است که اداره‌کنندگان این مجامع، دولت‌ها نباشند و این نشست‌ها از طریق ارگان‌ها و سازمان‌های غیردولتی یا مجامع علمی و دانشگاهی بر گزار گردد. چنانکه بتوان در این نشست‌ها و در محل اختلاف و نزاع است، مورد بررسی و واکاوی قرار دهند. امید آن می‌رود که تقریب میان مذاهب و وحدت و همدلی فراهم گردد. در این نشست‌ها باید با الهام از این حدیث بر اقتدر معصومین که می‌فرمایند کونوا دعاء الناس بغیر السننکم این امکان فراهم شود تا افراد بتوانند از آذانه‌ولو دیدگاههای نادرست تعصب‌آمیز خویش را ببین کنندو کسی متعرض آنان نشود. نباید برای شرکت افراد در این مجامع محدودیت قائل شده یا گزینشی عمل کرد که فرجام چنین نشست‌هایی از همان ابتدا معلوم خواهد بود. در این نشست‌ها بهتر است مسئولان و برگزار کنندگان همایش بیشتر شونده باشند تا سخنران به جای سخنرانی‌های طولانی و خسته‌کننده افراد مسئول، بگذاریم میهمانان و مدعوین همایش به ارائه آرا دانه دیدگاه‌های خود بپردازند.

البته به منظور تمرش بودن این همایش‌ها و تبادلات علمی، باید در پایان این نشست‌ها مرکزتری در هر یک از کشورهای اسلامی تأسیس شود که ضمن بهره‌گیری از صندوق مالی غیر دولتی مشخص و بیرونی از سازو کارهای

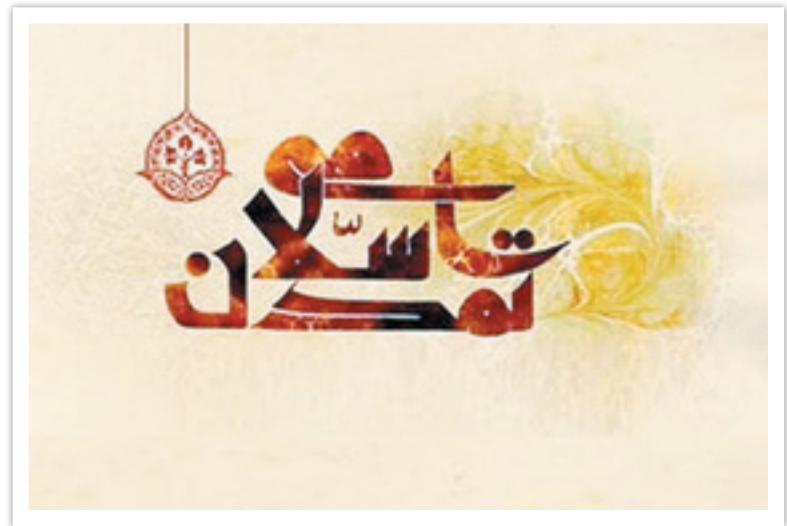
اداری واحد، پیگیری مصوبات این نشست و نتایج آن را که

اقدام نباید به گروه و جماعت خاصی تعلق داشته باشد، از

هم‌فالیتهای خود بندانند.

■ **ایجاد وحدت اقتصادی و ائتلاف سیاسی و نظامی**

از دیگر اقداماتی است که جوامع مسلمان باید در آن راستا همکاری و مشارکت جدی داشته باشند، ایجاد وحدت اقتصادی و ائتلاف سیاسی و نظامی است. دولت‌های مسلمان چنانچه واقعاً به دنبال وحدت و اتحاد دینی هستند، باید در عرصه عمل نیز چنین اتحادی را دنبال نموده و راهکارهای عملی آن را نیز جست‌وجو نمایند. یکی از راهکارهای عملی اتحاد، پیروی از یک نظام اقتصادی واحدی است که پشوتانه ایجاد قدرت و اقتدار مسلمانان در سایر زمینه‌هاست، چراکه



اندیشه



در تشکیل تمدن نوین اسلامی نباید صرفاً به شعار و نظرو رزی بسنده نمود، بلکه تحقق چنین امری نیازمند اقدامات عملی فراگیر، همه‌جانبه و به‌دور از هر گونه تعصبات قومی و مذهبی است

اغلب نزاع‌ها و درگیری‌های عالم به دلیل محدودیت منابع، ناتوانی در عرصه تولید و توزیع و وجود نظام طبقاتی است. چنانچه ملت‌های مسلمان به اموال یکدیگر طمع نموده و به غارت و چپاول یکدیگر بپردازند، در آن صورت چگونه می‌توان انتظار داشت که در مقابل بیگانگان ایستادی کند یا مورد تعرض آنان قرار نگیرد. در حالی که بزرگ‌ترین ذخایر نفت و گاز و انرژی دنیا در خاورمیانه و در حوزه و قلمرو کشورهای اسلامی قرار دارد، چرا باید تاین حد وابسته غرب بود. این در حالی است که هم سرمایه‌های انسانی لازم برای پیشرفت علمی، توسعه و استخراج این ذخایر در اختیار آنان هست و هم توان مالی لازم برای این کار وجود دارد. بر ماست که بازار تولید، مصرف، توزیع و صادرات را خود به‌دست گرفته و اجازه ندهیم بیگانگان ذخایر و ثروت‌های ما را به یغما برند و به جای ماتصمیم بگیرند.

افزون بر اینها، رعایت قوانین اسلامی در خصوص معاملات و به‌طور کلی اقتصاد کلان اسلامی، یعنی قوانینی نظیر احتکار، ربا، قرض، هبه و نظایر آن، مانع از این خواهد شد که تجار و بازرگانان در جوامع اسلامی صرفاً به سود و منفعت خود بیندیشند یا با احیای زمین‌های موات و حذف گمرکات برای مسلمانان می‌توان اقتصاد پایدار و مطمئنی را برای آنان ایجاد کرد.

■ **همچنین هجرت به بلاد اسلامی برای کسب علم و دانش**

هجرت به بلاد اسلامی برای کسب علم و دانش، به جای سفر به کشورهای بیگانه و استفاده از توان علمی یکدیگر و ارائه بورس‌های تحقیقاتی و پژوهشی برای دانشمندان مسلمان می‌تواند راه دیگری برای ایجاد چنین تمدن عظیمی باشد. اما افزون بر لزوم توجه جدی به این عوامل و مؤلفه‌های عملی، توجه به راهکارهای نظری وحدت بخش جوامع اسلامی نیز ضرورت دارد و نباید از غفلت کرد. در ادامه، به برخی از این موارد اشاره خواهیم کرد.

■ **لزوم رفع اسباب و عوامل افتراق امت اسلامی**

در باب تاریخ پیدایش افتراق و اختلاف میان مسلمانان و پیدایش ششب اسلامی در میان اهل تسنن و شیعیان اختلاف نظر وجود دارد. برای نمونه فرس‌الدین عاملی، از فقهای شیعه علت این اختلافات را تکفیر و تحقیر و تزیور، اعتراض اهل سنت از مذهب ائمه معصومین و بی‌توجهی به فرمایشات آنان در باب اصول و فروع دین می‌داند. تا جایی که او معتقد است بخاری بعد از تفاهم علی‌المبادی السلیقه، بل منهج‌العالمون فی تقدیر علی و بنیه، وروی عنهم اَئهم یکفرون الشیخین ابابکر و عمر، و منهج‌المعتدولون المقصدون» و معتقد است که انشقاق میان امت اسلامی از مرگ خلیفه سوم آغاز شد. «لقد کانت

بعد موت عثمان ففتن، احداها عاده و الاخری باغیه» البته در باب علت پیدایش اختلافات میان مسلمانان دلایل دیگری نیز ذکر شده است که ربطی به شیعه و سنی ندارد؛ از جمله پیاده نکردن همه دستورات الهی و انتخاب برخی و انبهاون برخی دیگر. همچنین آمیختگی دین با شخص و تفسیرهای اشخاص از دین و آیات قرآن، مزید بر این مشکلات نکته جالب میان محققان شیعه و سنی آن است که هیچ‌یک، واقعه غدیر را منشأ شکل‌گیری شیعه و اهل سنت نمی‌دانند.

■ **برجام سخن**
تحقق تمدن نوین اسلامی را می‌توان وعده‌ای حتمی و اجتناب‌ناپذیر از سوی خداوند متعال دانست که گریزی از آن نیست. لکن به‌رغم اینکه تحقق چنین امری از وعده‌های راستین الهی است، تمامی آزادگان و مسلمانان عالم باید در این راستا تلاش جدی نموده و از اختلاف‌افکنی و نزاع و مجادله میان امت اسلام اکیدا ممانعت به عمل آورند، چراکه این کار جز بندنامی و از دست رفتن آبروی مسلمانان نمی‌در بر ندارد. «ولا تنازعوا فتشققوا و تکتفربکم و اصبروا و الله الله معَ الصابِرین» (انفال ۴۶)

در تشکیل تمدن نوین اسلامی نباید صرفاً به شعار و نظورزی بسنده نمود، بلکه تحقق چنین امری نیازمند اقدامات عملی فراگیر، همه‌جانبه و به‌دور از هر گونه تعصبات قومی و مذهبی است.

در پیمودن این راه‌باید پیوسته توطئه‌ها و نیز بنگ‌های دشمنان قسم خورده اسلام را رصد و مسلمانان با هوشیاری و بصیرت کامل سعی کنند هملانه و با شجاعت هر چه تمام‌تر در مقابل آنها ایستادی کنند و اجازه ورود تفرقه‌افکنان به صفوف مسلمین را ندهند. مسلمانان باید پیوسته به مؤلفه‌های شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی و عوامل تأثیرگذار بر وحدت امت اسلامی توجه داشته باشند و با روحیه مجاهدت دائم و همگانی و تلاش و کار و ابتکار، امید به فضل الهی و استمداد از او، ترسیم هدف بلند مدت، صبر و مقاومت، بهرمنندی از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی خود، برهیز از تحجر و ارتجاع، گسترش اخلاق انسانی، نگاه اجتماعی و عالمانه به عرصه‌های گوناگون دانش بشری تا زمان کسب مرجعیت علمی و فناوری در جهان، برهیز از سبک و مدل زندگی غربی، پاسداری از بنیان‌های تاریخی و فرهنگ و زبان خود و با معنویت و خودسازی، خود را مهبای این وظیفه خطیر الهی کنند و در این راه از جان و مال خویش دریغ نورزند چراکه تنها در این صورت است که می‌توان وعده راستین الهی را محقق نمود و به صلح و آشتی و اتحاد در میان مسلمانان جهان دست یافت.

درنگ

یادداشتی از مهدی جمشیدی

تأمل دین اندیشه در باره گام اول انقلاب

نمی‌کند، چون غرض، «برتری» و «عُلُو» و «سطله‌جویی» نیست و نمی‌خواهد طعم «ریاست» و «حکومت» را بچشد و «ذّت» ببرد، بلکه مداخله او در عالم سیاست، به منظور اصلاح امور زندگی بندگان خدای متعال و استقرار جامعه‌ای الهی و نورانی است که در آن، کسب کمالات معنوی، تسهیل و میسر گردد. مؤمنان از سیاست و حکومت نمی‌گریزد و خلوت و عزلت اختیار نمی‌کند، اما جز به چشم «بزل» و «وسيله»، به آن نظر نمی‌کند و سرده قدرت و ریاست نمی‌شود.

چنین انسانی، چه در قدرت باشد و چه بیرون مادی، ترجیح دارند و در صورت وقوع تراحم میان این دو، باید جانب امور معنوی را گرفت

و از امور مادی گذشت، البته اینچنین نیست که امور معنوی، به‌طور قه‌ری و ذاتی، با امور مادی ناسازگار باشند، بلکه مسئله این است که فلسفه و هدف زندگی چیست و که مقصد اصلی انسان باید چه چیزی باشد؟ پس سخن در مقام شناخت اصل و فرع از یکدیگر است، نه نفی مطلق یکی از این دو.

۳- انقلاب ایران، انقلاب «اسلامی» بود؛ به این معنی که مردم می‌خواستند ارزش‌های اسلامی را در جامعه محقق کنند و جامعه توحیدی و الهی به وجود آورند، اما در عین حال می‌دانستند که در صورت استقرار چنین جامعه‌ای، سایر خواسته‌ها و خلا‌هایشان نیز جامه عمل خواهد پوشید. به بیان دیگر، روح انقلاب ایران، اسلام بود و تمام هدف‌های دیگر از قبیل استقلال و آزادی و جمهوریت و رفاه، در سایه آن روح کلی قرار داشتند و به‌رنگ آن درآمده بودند. پس هرگز اینطور نبوده که طلب ارزش‌های اسلامی در عرض هدف‌های دیگر قرار داشته باشد. به عبارت دیگر، انقلاب اسلامی، بیش از هر چیز، یک «انقلاب فرهنگی» بوده است؛ یعنی اتفاق بنیادی و تعیین‌کننده در «درون‌یو‌های انقلاب» رخ داد و آنها را به انقلاب و انقلابی‌گری سوق داد. این «تحول باطنی و انفسی» را باید «انقلاب فرهنگی» شمرد. تحول باطنی و انفسی یاد

واقعیت‌های اجتماعی، طاغوت‌زدایی کند،



محتاج سپری شدن زمان و «طرحی مستقل از اصل انقلاب سال ۵۷» بود. این طرح چیزی نبود جز طرح نقاب فرهنگی که همانند اصل انقلاب سال ۵۷، شخص امام خمینی، معمار و هدايتگر آن بود. همچنان که انقلاب سال ۵۷، حاصل «تذکر پیامبرانه» امام خمینی به توده‌های مردم بود و «حس خداگاهي» را در آنها بیدار و فسال کرد، انقلاب فرهنگی نیز حقیقتی از همین سنخ بود و در امتداد آن قرار داشت. انقلاب فرهنگی، برنامه‌ای بود که کامل شدن «بخش‌های فرهنگی ناتمام انقلاب ۵۷» را طلب می‌کرد و بر آن بود که «غایات و مقاصد فرهنگی بسر زمین مانده و معطل انقلاب» را تحقق ببخشد. بنابراین برخلاف تصویرسازی‌های ناروا و مغرضانه که القا و تکرار می‌شود، انقلاب فرهنگی، امری «ردمی» و «تکبیر» و «از پایین» بود، نه «حاکمیتی» و «وضعی» و «از بالا» زیرا ریشه در اقتضات و خواسته‌های «فطرت الهی انسان ایرانی» داشت و حوایج و تمّ‌های تکوینی و الهی او را که در اثر انقلاب سال ۵۷، به‌طور کامل و اکثری برآورده نشده بودند، محقق و عینی می‌ساخت.

۶- به قطع، انقلاب توانست یک‌چشم فرهنگی و معنوی بزرگ و تاریخی در جامعه ایران ایجاد کند و نظم طاغوتی و شیطانی را برچیند و ارزش‌های الهی در جامعه برقرار سازد، اما روشن است که استقرار ارزش‌ها در جامعه، مقوله‌ای است که در جات و مراتب مختلف دارد و به‌صورت طبیعی، نوسان‌ها و تغییراتی نیز در آن رخ می‌دهد. با این حال، انقلاب توانست فضای جامعه را به‌کلّی دگرگون سازد و غر‌زدگی و ابتذال و انحراف رسمی و آشکار و اکثری را کنار بزند و جهت حرکت جامعه را به سوی ارزش‌ها بچرخاند. انقلاب در مقام تحقق این چرخش، موفق بوده است، اما درباره جزئیات و برخی روندها، قبح‌ماندگی‌ها و کج‌روی‌هایی وجود دارد.



در فکر دینی، حکومت، فقط «ب‌زاری برای تقرّب» است؛ حکومت، «وسيله‌ای برای کسب رضای الهی و ذخیره‌ای برای هنگام لقای پروردگار» است و مستقل از این امر، هیچ ارزش و اصالتی ندارد

خبرگزاری مهر